

پایه دوازدهم

رشته انسانی

مرورنامه آزمون‌های تشریحی سین جیم

۱۴۰۳/۸/۶

آزمون ۲



مرکز آزمون سین جیم

نام درس	موضوع	صفحه کتاب درسی
عربی ۳	درس ۱	۱ تا ۱۸
دین و زندگی ۳	درس ۱ و ۲	۲ تا ۲۹
علوم و فنون ادبی ۳	درس ۱ و ۲	۱۰ تا ۲۸
فلسفه ۲	درس ۱ و ۲	۱ تا ۱۲
جغرافیا ۳	درس ۱ و ۲، تا ابتدای مدیریت شهرها	۱ تا ۲۷



درس ۱ عربی دوازدهم شامل یک متن ساده و کوتاه بوده و قواعد آن هم در دو بخش بیان شده که عبارت است از:

۱- حروف مشبّهة بالفعل (شناخت - معنی - تشخیص اسم و خبر و اعراب آن)

۲- «لا» نفی جنس (شناخت - معنی - تشخیص اسم و خبر و اعراب آن)

← در آزمون نوبت اول (دی ماه) سهم این درس از بارم بندی به صورت زیر است:

۱] ترجمه عبارتی که دارای حروف مشبّهة باشد. ← ۱/۵ نمره

۲] ترجمه عبارتی که دارای «لا»ی نفی جنس باشد. ← ۰/۵ نمره

۳] تشخیص «لا» نفی جنس در عبارات. ← ۰/۵ نمره

۴] تشخیص حروف مشبّهة بالفعل در عبارات. ← ۰/۵ نمره

← **تذکر:** در بخش لغات و ترجمه عبارات و محل اعرابی هم سهم مهمی مربوط به این درس است که بستگی به نظر طراح دارد.

در آزمون نوبت دوم (نهایی خرداد ماه) سهم مشخص این درس در بارم بندی عبارت است از:

۱] ترجمه عبارتی که دارای حروف مشبّهة باشد. ← ۰/۵ نمره

۲] ترجمه عبارتی که دارای «لا»ی نفی جنس باشد. ← ۰/۵ نمره

← **تذکر:** در سایر بخش‌ها (محل اعرابی، ترجمه کلمات و جمع و مفرد آن‌ها و ...) نیز از این درس سؤالاتی مطرح خواهد شد که باز هم بستگی به نظر طراح دارد.

♦ بخش اول ترجمه:

الف) فعل‌ها:

فعل اصلی	ماضی	ترجمه	مضارع	ترجمه
تُبَصِّرُ (می بینی)	أَبْصَرَ	دید	يُبَصِّرُ	می بیند
تَزْعَمُ (گمان می کنی)	زَعَمَ	گمان کرد	يَزْعَمُ	گمان می کند
انطوی (درهم پیچیده شد)	-----	-----	يَنْطَوِي	درهم پیچیده می شود
يُحْسِنُهُ (آن را درست انجام می دهد)	أَحْسَنَ	درست انجام داد	يُحْسِنُ	درست انجام می دهد
فَزَبَّ (به دست بیاورد)	فَزَبَّ	به دست آورد	يَفْوِزُ بِـ	به دست می آورد
يُضَيِّعُ (تباه می کند)	أَضَاعَ	تباه کرد	يُضَيِّعُ	تباه می کند
يُقَاتِلُونَ (می جنگند)	قَاتَلَ	جنگید	يُقَاتِلُ	می جنگد
يَسْتَوِي (برابر است)	اِسْتَوَى	برابر شد	يَسْتَوِي	برابر است
لَا تُطْعِمُوا (غذا ندهید)	أَطْعَمَ	غذا داد	يُطْعِمُ	غذا می دهد
لَا تُسَبُّوا (دشنام ندهید)	سَبَّ	دشنام داد	يَسُبُّ	دشنام می دهد
يَسَارِعُونَ (می شتابند)	سَارَعَ	شتافت	يَسَارِعُ	می شتابد
لَا تُحْمَلُ (تحمیل نکن)	حَمَلَ	تحمیل کرد	يُحْمَلُ	تحمیل می کند
لَا تُمِيتُوا (نمیرانید)	أَمَاتَ	میراند	يُمِيتُ	می میراند
خَذُوا (بگیرید)	أَخَذَ	گرفت	يَأْخُذُ	می گیرد
أَسْرَى (حرکت داد)	أَسْرَى	حرکت داد	يُسْرَى	حرکت می دهد
جَادِلُ (بحث کن)	جَادَلَ	بحث کرد	يُجَادِلُ	بحث می کند
قَدْ أَفْلَحَ (رستگار شده است)	أَفْلَحَ	رستگار شد	يُفْلِحُ	رستگار می شود
مَا أَبْرَأُ (بی گناه نمی شمارم)	بَرَأَ	بی گناه شمرد	يُبْرِئُ	بی گناه می شمارد
يَكْتُمُونَ (پنهان می کنند)	كَتَمَ	پنهان کرد	يَكْتُمُ	پنهان می کند



آرزو می کند	يَتَمَنَّى	آرزو کرد	تَمَنَّى	تَمَنَّى (آرزو کرد)
وفا می کند	يُوفِي	وفا کرد	أَوْفَى	أَوْفُوا (وفا کنید)
می داند	يَدْرِي	-----	-----	لا تَدْرِي (نمی دانی)

زیر ذره بین

در مورد فعل‌های این درس به نکات زیر توجه کنید:

- ۱ فعل «أَحْسَنَ» در حالت عادی معنای «خوبی کرد» دارد، ولی وقتی در جمله مفعول داشته باشد، معنای «درست انجام داد» دارد.
- ۲ فعل «فاز» به معنای «رستگار شد، برنده شد» است، ولی وقتی با حرف «ب» همراه شود، معنای «به دست آورد» می‌دهد.
- ۳ فعل قَتَلَ (يَقْتُلُ) یعنی «کشت» ولی فعل قَاتَلَ (يَقَاتِلُ) یعنی «می‌جنگد».
- ۴ فعل يَمُوتُ، یعنی «می‌میرد» ولی فعل يُمِيتُ، یعنی «می‌میراند».
- ۵ تَمَنَّى (آرزو داشت) یک فعل ماضی است و مضارع آن به صورت يَتَمَنَّى (آرزو دارد) می‌آید.

ب) اسم‌ها:

الدَّاء: بیماری	الجِرم: پیکر، جسم	أَكْفَاء: همانندان	إِمْرِي: شخص
البَدَل: جایگزین، جانشین	المَوْتِي: مردگان	الأَحْيَاء: زندگان	الفِضَّة: نقره
الخدید: آهن	النُّحَاس: مس	الذَّهَب: طلا	الطَّيْنَةُ: گل، سرشت
سوی: به جز، مگر	اللَّحْم: گوشت	العَظْم: استخوان	العَصَب: عصب، پی
الغفاف: پاکدامنی	التَّفَاخُر: به هم فخر فروختن		المَحْمُود: پسندیده
البِطَاقَة: بلیط	الغَايَة: هدف	التُّراب: خاک	كُرَّة المِنْصَدَة: بیسک پنگ
البَعَث: رستاخیز	المَرصُوص: استوار	المُتَرَدِّد: مردد	العازم: مصمم
العَصَاة: آب میوه گیری	الرَّيْب: تردید	المُؤَصَّل: رسانا	الخَيْط: نخ
المَفْسَدَة: عامل تباهی	النُّقَاد: نقد کنندگان	الكَسُول: تنبل	الأفواه: دهان‌ها
القاعَة: سالن	المَطَار: فرودگاه	الرَّأْسِب: مردود	الجائع: گرسنه

ج) جمع‌های مکسر:

الدَّوَاء ↔ الأدوية	الجِرم ↔ الأجرام	الأب ↔ الآباء
الكُفُو ↔ الأكفاء	الرَّجُل ↔ الرجال	الإسم ↔ الأسماء
البَدَل ↔ الأبدال	المَبِيت ↔ الموتى	الحى ↔ الأحياء
اللَّحْم ↔ اللحوم	العَظْم ↔ العظام	العَصَب ↔ الأعصاب
القَوْل ↔ الأقوال	المِسكين ↔ المساكين	الطَّعام ↔ الأطعمة
الخَيْط ↔ الخيوط	المَفْسَدَة ↔ المفاسد	النَّاقِد ↔ النقاد
السُّؤال ↔ الأسئلة	الجُمْلَة ↔ الجمل	الجواب ↔ الأجوبة
الفَم ↔ الأفواه	السَّائِح ↔ السائح	المِفْتَاح ↔ المفاتيح

د) مترادف‌ها و متضادها:

الدَّاء (بیماری) = المَرَض ≠ الشِّفاء = الصِّحة (سلامتی)	يُبصِرُ = يُشَاهِدُ (می‌بیند)
المَوْتِي (مردگان) ≠ الأَحْيَاء (زندگان)	فازَ بِ = حَصَلَ عَلَي (به دست آورد)
المُتَرَدِّد (مردد) ≠ العازم (مصمم)	يَزْعُمُ = يَفْطِنُ (می‌پندارد)

المحمود (پسندیده) ≠ المذموم (نکوهیده)

يَكْتُمُ (پنهان می کند) ≠ يُظْهِرُ (آشکار می کند)

الطَّوِيل (طولانی) ≠ القَصِير (کوتاه)

الْبَيْع (فروش) ≠ الشَّرَاء (خرید)

الْكَسُول (تنبل) ≠ النَّشِيط (فعال)

الفائز = النَّاجِح (موفق، پیروز)

يُقَاتِلُونَ = يُجَاهِدُونَ (می جنگند)

الْكَفُو = سَوَاء (برابر)

الرَّيْب = الشَّك (تردید)

الْبَعَث = الْقِيَامَة (رستاخیز)



کلماتی که بر وزن «فَعَال» هستند غالباً جمع مکسرند و مفرد آن‌ها بر وزن «فَاعِل» است.
 مثال: الطَّالِب ← الطَّالِبَة ← النُّقَّار ← النُّقَّارَة

شاهد عینی



سؤال: عین عبارت نیست فیها کلمتین متضادّین:

الف) لیت الرِّبِّیع طویل فی بلدنا و لکنه قصیر.

ب) قصد البائع أن یرشد المشتري فی بیع البضائع.

ج) لا تطعموا المساکین ممّا لا تأکلون.

پاسخ: عبارت «ج»

کلمات متضاد در عبارت «الف» ← «طویل» و «قصیر»

کلمات متضاد در عبارت «ب» ← «البائع» و «المشتري»

سؤال: اکتب المفرد أو الجمع للكلمات التالية:

الف) الطَّعام

ب) النُّقَّاد

ج) الأفواه

ب) النُّقَّاد

ج) الفم

پاسخ: الف) الأطعمة

♦ بخش دوم قواعد درس:

الف) حروف مشبّهة بالفعل:

معانی و کاربرد حروف مشبّهة را در جدول زیر می بینید:

حرف	ترجمه	کاربرد	تذکر
إِنَّ	همانا، بی گمان، بی تردید، قطعاً	کلّ جمله پس از خود را مورد تأکید قرار می دهد.	ترجمه اش را باید ابتدای عبارت بیاوریم.
أَنَّ	که	ارتباط بین دو عبارت را برقرار می کند.	همیشه وسط عبارت‌ها می آید.
كَأَنَّ	گویا، مثل این که، مانند، انگار	گاهی برای تشبیه است و گاهی برای بیان حدس و گمان و تردید	
لَكِنَّ	اما، ولی	باعث کامل شدن معنای عبارت قبل از خود شده و از آن رفع ابهام می کند.	وسط عبارت‌ها به کار می رود.
لَيْتَ	کاش	برای بیان آرزوهای محال یا بیان حسرت (نسبت به گذشته) به کار می رود.	
لَعَلَّ	امید است که، شاید که	نشان دهنده امیدواری گوینده است و یا احتمال انجام کاری را بیان می کند.	هم امید هم تردید

زیر ذره بین

مواظب باشید که فعل‌های مضارعی که بعد از «لیت» یا «لعل» می‌آیند را به صورت ماضی ترجمه نکنید. بلکه معنی آن‌ها به صورت مضارع التزامی بنویسید.

شاهد عینی

سؤال: اکتب ترجمه عبارتین:

الف) كَانُ زُمَلَانَا كَانُوا خَائِفِينَ مِنَ الْإِمْتِحَانِ وَ لَكِنَّهُ كَانَ سَهْلًا.

ب) لَيْتَ النَّاسَ لَا يُطْعَمُونَ الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا يَأْكُلُونَ.

پاسخ: الف) گویی هم‌کلاسی‌هایمان از امتحان ترسیده بودند اما آن آسان بود.

ب) کاش مردم از آنچه نمی‌خورند به فقیران غذا ندهند.

سؤال: عین الجواب الصحیح للفراغ: «..... إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك.» (أن - لیت - إن)

پاسخ: إن؛ اولاً چون جای خالی در ابتدای عبارت آمده پس باید «أن» را حذف کنیم. ثانیاً با توجه به معنای عبارت، «لیت» برای آن مناسب

نیست: «همانا راضی ساختن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.»

قاعده: حروف مشبّهة بالفعل در ابتدای جملات اسمیه می‌آیند و دو تغییر در آن می‌دهند:

۱- مبتدا و خبر، تغییر نام پیدا می‌کنند و «اسم» و «خبر» حروف مشبّهة نامیده می‌شوند.

۲- مبتدا به صورت منصوب در می‌آید.

✓ مثال: امتحان اللغة العربية سهل. ← لعل امتحان اللغة العربية سهل. (شاید آزمون زبان عربی ساده باشد).

مبتدا مرفوع خبر مرفوع اسم لعل خبر لعل
منصوب مرفوع

ب) انواع «لا»:

نوع لا	روش شناخت	ترجمه	مثال
نافیه	لا + مضارع غیر مجزوم	مضارع اخباری منفی	لا يذهبون ← نمی‌روند
ناهیه	لا + مضارع مجزوم	اگر مخاطب باشد ← دستوری (ساده) اگر غیر مخاطب باشد ← نباید + مضارع التزامی	لا تذهبوا ← نروید لا يذهبوا ← نباید بروند
نفی جنس	لا + اسم (بدون «ال» و «تنوین»)	هیچ ... نیست	لا إله إلا الله ← هیچ خدایی جز الله نیست.
«نه»	معمولاً در جواب «هل» یا «أ»		أ تعرفني؟ : لا ← آیا مرا می‌شناسی؟ : خیر

زیر ذره بین

۱] به مضارعی مجزوم گفته می‌شود که یا «نون» آخرش حذف شده و یا انتهای آن ساکن است، گاهی هم کسره در آخر فعل مضارع نشانه مجزوم بودن است.

✓ مثال: لا تخرُجوا

← لا تخرُج

← لا يخرُج الآن

۲] در ترجمه فعل نهی مخاطب آوردن لفظ «نبايد» غلط به حساب می‌آید.

✓ مثال: لا تخرُج ← خارج نشو، نبايد خارج بشوی

۳۱ اگر قبل از فعل مضارع «آل» را دیدید، در واقع آن، «آن + لا» بوده و در این حالت، «لا» حتماً از نوع نافی است. ✓ مثال: عَزَمْنَا آلًا نَسْتَسَلِمُ أَمَامَ الظَّالِمِينَ.

شاهد عینی



سؤال: عین نوع «لا» ثمّ کمل ترجمه عبارات:

- ۱- ﴿لَا عَلِمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ ← نداریم جز آنچه تو به ما یاد دادی.
- ۲- ﴿لَا تُحَمِّلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ ← بر ما آنچه را که طاقتی به آن نداریم،

پاسخ:

- ۱- «لا» نفی جنس (چون «لا» بر سر اسم آمده است.) ← جای خالی: «هیچ دانشی»
- ۲- اولی ← «لا» نهی (چون حرف آخر فعل «لَا تُحَمِّلُ» ساکن است.) - دومی ← «لا» نفی جنس (چون «طاقه» اسم است.) ← جاهای خالی به ترتیب: «هیچ» - «تحمیل نکن»

سؤال: انتخب الترجمة الصحيحة: «لاخير في قول إلامع الفعل.»

الف) در هیچ کلامی خیری نیست مگر همراه با عمل.

ب) هیچ خیری در سخنی نیست مگر همراه با عمل کردن.

پاسخ: گزینه «ب» («لا» بر سر «خیر» آمده پس در فارسی هم باید لفظ «هیچ» را همراه با آن بیاوریم.)

قاعده: «لا» نفی جنس هم دارای اسم خبر است که اسم آن همیشه «مفتوح» بوده و خبر آن مرفوع است.

✓ مثال: «لَا بَلَاءَ أَصْعَبُ مِنَ الْجَهْلِ.»

اسم لا خبر لا
مفتوح مرفوع

شاهد عینی



سؤال: عین الصحیح للفراغ: «لا كَجَهَادِ النَّفْسِ.» (جهاداً ، جهادٌ ، جهاد)

پاسخ: «جهاد» ← اسمی که بعد از «لا» بیاید، همیشه فتحه (ـَ) می گیرد.



مقدمه

بارم درس ۱ و ۲ دینی دوازدهم به صورت مشترک، در امتحان‌های نهایی خرداد و شهریور، دارای ۲/۵ نمره است که در خرداد ۱۴۰۳، درس ۱ و ۲ دارای ۲/۵ نمره بود و در امتحان نهایی شهریور ۱۴۰۳، درس ۱ و ۲ دارای ۲/۵ نمره بود و پیش‌بینی می‌شود، که امسال هم (خرداد ۱۴۰۴) از این درس ۲/۵ نمره در آزمون نهایی سؤال طرح بشود.

مشاوره



برای خواندن این درس، باید ابتدا به مفاهیم اولیه درسنامه و مرورنامه مسلط شیم و بعداً با حل نمونه سؤالات و گرفتن امتحان از خود، به هدف نهایی‌مون که کسب نمره کامل در این درسه، برسیم. نکته تکمیلی این‌که، درس دینی جزو دروس مروری هست، اگر به‌طور مستمر، این درس رو بخونیم، از یادمون میره و زحمتمون هدر می‌ره. پس لطف کنید به جای مثلاً مطالعه ۶۰ دقیقه‌ای در هفته، هر روز ۱۰ دقیقه مطالعه کنید.

درس ۱ دین و زندگی رشته انسانی پایه دوازدهم

برترین عبادت = تفکر و اندیشه درباره خدا

حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله: «افضل العباده ادمان التفکر فی الله و فی قدرته»

برترین عبادت اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست:

- تفکر در صفات الهی مورد تشویق اسلام واقع شده است.
- اندیشه مستمر و پیوسته درباره خدا بهترین عبادت است.
- چون خداوند کمال مطلق است، اندیشیدن درباره او افضل عبادت‌ها و مربوط به توحید عملی است.

تفکر درباره این جهان پر جنب و جوش:

- تفکر درباره جهان دوردست
- تفکر درباره همین جهان نزدیک

تفکر درباره آغاز و پایان هستی ← موجودات از کجا آمده‌اند؟ = هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟!

زیر زرهین



از این قسمت به نظر بنده یا در امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴ یا در شبه نهایی‌هایی که در اردیبهشت برگزار می‌شود، سؤال طرح می‌شود، تحت عناوین زیر:

عنوان یک: برترین عبادت، اندیشیدن درباره خدا و صفات اوست. (صحیح - غلط)

عنوان دو: برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و صفات اوست. (صحیح - غلط)

عنوان سه: اصطلاح جهان دور دست را تعریف کنید.

عنوان چهار: اصطلاح جهان نزدیک را تعریف کنید.

عنوان پنج: حدیث: «افضل العبادة ادمان تفکر فی الله و فی قدرته»، با کدام عبارت شریف ارتباط معنایی دارد؟

۱) «ولا تفکروا فی ذات الله» ۲) «تفکروا فی کل شیء»

عنوان شش: از کدام مقدمه به این گزاره می‌رسیم که: «موجودات، هستی خود را مدیون خداوند هستند»؟

عنوان هفت: از تفکر درباره آغاز و پایان این هستی پهناور، به چه موضوعی دست پیدا می‌کنیم؟

♦ خدانشناسی:

فطری: شناخت اولیه = درک حضور آفریننده‌ای حکیم که جهان را هدایت و پشتیبانی می‌کند و مدد می‌رساند.
استدلالی: معرفت عمیق تر = از راه تفکر دربارهٔ نیازمندی جهان به خدا در پیدایش ← شناخت صفات و افعال خدا

♦ نیازمندی جهان به خدا در پیدایش:

- * **مقدمه ۱:** ما و موجودات جهان پدیده‌ای هستیم که وجودمان از خودمان نیست.
- * **مقدمه ۲:** هر پدیده نیازمند به پدیدآورنده است.

ویژگی‌های پدیدآورنده:

- خودش پدیده نباشد.
- وجودش از خودش باشد.
- خودش ذاتاً موجود باشد ← در وجود خود نیازمند به دیگری نیست.
- پدیده و نیازمند به پدیده آورنده نباشد.
- همواره بوده است و خواهد بود.

* **نتیجه:** ما و همه پدیده‌های جهان در پدیده آمدن و هست شدن به آفریده‌ای نیازمندیم که سرچشمه هستی است.

زیر زره بین

از این قسمت به نظر بنده یا در امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴ یا در شبه‌نهایی‌هایی که در اردیبهشت برگزار می‌شود، سؤال طرح می‌شود، تحت عناوین زیر:

عنوان یک: مقدمهٔ اول نیازمندی موجودات به خداوند در پیدایش را بنویسید.

عنوان دو: مقدمهٔ دوم نیازمندی موجودات به خداوند در پیدایش را بنویسید.

عنوان سه: چه نتیجه‌ای از مقدمهٔ اول و دوم نیازمندی موجودات به خداوند در پیدایش می‌گیریم؟

عنوان چهار: مقدمهٔ اول و دوم و نتیجهٔ آن در نیازمندی موجودات به خداوند در پیدایش را توضیح دهید.

عنوان پنج: سرچشمهٔ هستی بودن به کدام مرتبهٔ توحیدی اشاره می‌کند؟ (ترکیب با درس دو)

عنوان شش: ما نیازمند پدید آورنده‌ای هستیم که ذاتاً حقیقت داشته باشد. (صحیح - غلط)

* آیه: «یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر ۱۵)

ای مردم شما به خداوند نیازمند هستید و خداست که تنها بی‌نیاز ستوده است.

- همهٔ مخلوقات از جمله انسان در وجود و هستی خود به خدا نیازمند هستند.
- نیازمندی جهان به خدا در پیدایش و بقاء برداشت می‌شود و خداوند به دلیل بی‌نیازی می‌تواند نیازها را بر طرف کند.
- علت این که کسی نمی‌تواند وجود خدا را از او سلب کند، بی‌نیازی ذاتی اوست.
- علت ستوده بودن خداوند، بی‌نیازی انحصاری اوست.

♦ نیازمندی جهان به خدا در بقاء:

رابطهٔ جهان با خدا مانند رابطهٔ ساعت با ساعت‌ساز و رابطهٔ بنا با ساختمان، نیست.

خداوند اجزای جهان و خواص این اجزا را خلق کرده است، اما مثلاً بنا (انسان) نه مصالح را به‌وجود آورده و نه خواص آن‌ها را.

تفاوت بنیادین میان رابطهٔ جهان با خدا و ساختمان با بنا:

خداوند خالق مصالح و خود بناست، همه در هر لحظه، همواره و هر آن به خدا وابسته‌اند، هر لحظه اراده کند همه چیز را از بین می‌رود و متلاشی می‌کند.

رابطهٔ خداوند با جهان تا حدی شبیه رابطهٔ مولد برق با جریان برق است.

موجودات پس از پیدایش نیز همچنان مانند لحظهٔ نخست خلق شدن به خداوند نیازمند هستند.



شاهد عینی



شهریور ۱۴۰۳: تفاوت بنیادین رابطه بین مصنوعات بشری (مسجد، مدرسه و ...) و سازندگان آنها با رابطه بین جهان آفرینش و خداوند را بنویسید.

پاسخ: اجزای مصنوعات بشری را سازندگان آنها به وجود نیاورده‌اند و خواص آنها را نیز ایجاد نکرده‌اند، اما خداوند هم اجزای جهان را به وجود آورده هم خواص آنها را ایجاد کرده است. (درس یک صفحه ۹ - بارم این سوال در نهایی ۰/۵)

* آیه: «یسالنه من فی السماوات و الارض کل یوم هو فی شأن» (رحمان ۲۹)

هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است پیوسته از او درخواست می‌کند و او همواره دست‌اندر کار امری است.

- نیاز دائمی و لحظه به لحظه موجودات به خدا برداشت می‌شود.
- همه موجودات جهان در پیدایش و بقاء به خدا نیازمندند.
- چون موجودات فقیرند و خداوند غنی است، موجودات پیوسته از خدا درخواست امداد دارند.

◆ ثمره درک نیازمندی به خدای بی نیاز:

دو دسته انسان وجود دارد:

ناآگاه: به نیاز دائمی انسان به خدا بی‌توجه‌اند.

آگاه: دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می‌داند. هر چه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر می‌شود:

- نیاز به او را بیشتر حس می‌کند.
 - عجز و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند.
- افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش عبودیت و بندگی
مانند درخواست عاجزانه پیامبر (ص):

- برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد.
- او را به خود واگذار نکند.

شاهد عینی



شهریور ۱۴۰۳: درک بیشتر فقر و نیاز انسان به خدا نتیجه افزایش خودشناسی است. ص / غ

پاسخ: صحیح (درس یک صفحه ۱۰ - بارم این سوال در نهایی ۰/۲۵)

زیر زره سینه



از این قسمت به نظر بنده یا در امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴ یا در شبه‌نهایی‌هایی که در اردیبهشت برگزار می‌شود، سؤال طرح می‌شود، تحت عناوین زیر:

عنوان یک: چرا پیامبر (ص) با آن مقام و منزلت، باز از خداوند می‌خواهد که او را لحظه‌ای به خود واگذار نکند؟

عنوان دو: انسان‌های ناآگاه نسبت به نیاز خود به خداوند چگونه هستند؟

عنوان سه: انسان‌های آگاه نسبت به نیاز خود به خداوند چگونه هستند؟

عنوان چهار: درک بیشتر فقر و نیاز، نتیجه چیست؟

عنوان پنج: درک بیشتر فقر و نیاز، چه نتیجه‌ای دارد؟



حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله: «اللهم لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابداء»
خدایا مرا به خودم وا مگذار در چشم به هم زدن.

- رسول خدا که در اوج معرفت به خداست با درک نیاز خود به او در هر لحظه، درخواست عاجزانه به درگاه خدا دارد.
- انسان باید به خدا اعتماد و توکل کند؛ وگرنه نفس اماره او را به نابودی می‌کشد.

♦ نور هستی:

سبب پیدایی و آشکار شدن موجودات جهان = خدا

* آیه: «الله نور السماوات و الارض» (نور ۳۵) خداوند نور آسمان ها و زمین است.

- تمام موجودات وجود خدا را از خدا می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند.
- هر موجودی در حدّ خودش تجلی بخش خداوند و صفات الهی است.

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم
به دریا بنگرم دریا تو بینم
به هرجا بنگرم کوه و در و دشت
نشان از قامت رعنا تو بینم

- مشهود بودن خدا در هستی برداشت می‌شود.
- معرفت عمیق و والا همان دیدن خدا در همه چیز است.

شاهد عینی



خرداد ۱۴۰۳: منظور از نور هستی بودن خداوند، در آیه شریفه: «الله نور السماوات و الارض» چیست؟

پاسخ: یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند و وجودشان به وجود او وابسته است. (درس یک صفحه ۱۱ - بارم این سؤال در نهایی ۱)

حدیث امام علی علیه السلام: «ما رایت شیئا الا و رایت الله قبله و بعده و معه»

هیچ چیزی را ندیدم مگر این که خداوند را دیدم قبل و بعد و با آن.

- این که انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند معرفتی عمیق و والا است.
- هر موجودی در حدّ خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر صفات اوست.
- از جهت اشاره به مشهود بودن خدا در هستی با (الله نور ...) و بیت (دلی کز معرفت ...) ارتباط دارد.

معرفت عمیق و والا که همان با هر چیزی خدا را دیدن است،

در نگاه نخست مشکل به نظر می‌آید،

اما هدفی قابل دسترس است به خصوص برای جوانان

به دلیل ← پاکي و صفای قلب اگر با عزم و تصمیم قوی پیش رویم، خداوند کمک می‌کند و لذت این معرفت را به ما خواهد چشاند.

♦ تفکر درباره موضوعات:

محدود: در محدوده شناخت ما قرار می‌گیرند، ذهن ما توان و گنجایش فهم چستی و ذات آن‌ها را دارد.

نا محدود: ذهن ما گنجایش درک آن‌ها را ندارد، نمی‌توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی‌شان را دریابیم، ذهن ما نمی‌تواند به حقیقت آن‌ها احاطه پیدا کند. لازمه شناخت هر چیزی، احاطه و دسترسی به آن است.

♦ شناخت خدا:

چیستی ذات و ماهیت و چگونگی خدا نامحدود است ← ذهن ما احاطه پیدا نمی‌کند ← نمی‌شناسیم وجود، هستی، صفات، اسما، افعال و کیستی خدا را نمی‌شناسیم ← با تفکر در جهان می‌توانیم بشناسیم

حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله: «تفکروا فی کل شیء و لا تفکروا فی ذات الله»

در همه چیز تفکر کنید، ولی در ذات خدا تفکر نکنید.

- اسلام به تفکر، علم آموزی و تعقل تشویق نموده است.



- تفکر در ذات و چیستی خداوند ممنوع است؛ زیرا ذات خدا نامحدود است و نمی‌توانیم بر آن احاطه پیدا کنیم.

درس ۲ دین و زندگی رشته انسانی پایه دوازدهم

حدیث امام علی علیه السلام:

«خداى من مرا این عزّت بس که بنده تو باشم و این افتخار بس که تو پروردگار منى. خداى من تو همان گونه‌ای که من دوست دارم، پس مرا همان گونه قرار ده که تو دوست داری»

- عزّت در نگاه امام علی علیه السلام یعنی بندگی خداوند.
- افتخار در نگاه امام علی علیه السلام یعنی این که خداوند پروردگار اوست.
- پروردگار بودن خداوند اشاره به توحید در ربوبیت دارد.

♦ توحید:

مهم‌ترین اعتقاد دینی = توحید و یکتاپرستی = سرلوحه دعوت همه پیامبران

اسلام = دین توحید ← در اسلام بدون اعتقاد به توحید هیچ اعتقاد دیگری اعتبار ندارد.

قرآن = کتاب توحید ← قرآن کریم، اخلاق، احکام و همه اعمال فردی و اجتماعی مؤمنان را بر مدار توحید قرار داده است.

توحید مانند روحی بر پیکره معارف و احکام دین جاری است و به آن حیات و معنی می‌بخشد.

معنای توحید: اعتقاد به خدای یگانه، یکتا، بی‌همتا و بی‌شریک (اصل توحید)

* آیه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ / قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ / اللَّهُ الصَّمَدُ / لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ / لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»

به‌نام خداوند بخشنده و مهربان، بگو اوست، خدای یگانه، خدایی که بی‌نیاز مطلق است، نزاده و زاییده نشده است و هیچ کس همتای او نیست.

- اصل توحید، یگانگی و بی‌همتایی و یکتایی خداوند برداشت می‌شود.
- تنها بی‌نیاز خداست و همه به او نیاز مندند.
- هر گونه صفات ضعف و نیاز مانند زاییدن و زاده شدن از خداوند نفی می‌شود.

♦ جمله لا اله الا الله:

درخواست پیامبر از مشرکان در آغاز رسالت = دست برداشتن از شرک و ایمان به خدای یگانه

با گفتن این جمله (لا اله الا الله) تمام احکام و حقوق اسلامی فرد به رسمیت شناخته می‌شود، دفاع از حقوق او بر دیگر مسلمانان واجب می‌گشت، در زمره برادران و خواهران دینی قرار می‌گرفت.

التزام به آن ← تمام زندگی فرد مسلمان را در رابطه با خدا، خویشتن، خانواده، اجتماع و سایر مخلوقات تغییر می‌داد.



از این قسمت به نظر بنده یا در امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴ یا در شبه‌نهایی‌هایی که در اردیبهشت برگزار می‌شود، سؤال طرح می‌شود، تحت عناوین زیر:

عنوان یک: اصل توحید به چه معناست؟

عنوان دو: اصطلاح اصل توحید را تعریف کنید.

عنوان سه: درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز رسالت از مشرکان چه بود؟

عنوان چهار: گفتن عبارت شریف: «لا اله الا الله» چه ثمراتی را به همراه دارد؟

عنوان پنج: پایبندی به «لا اله الا الله»، چه تغییراتی ایجاد می‌کند؟

♦ مراتب توحید:

● توحید در خالقیت:

- خدا تنها مبدأ و خالق جهان است.
- موجودات همه مخلوق او هستند.
- در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد.

* آیه: «الله خالق کل شیء» (زمر ۷۲) خدا آفریننده هر چیزی است.

- خالق عموم پدیده‌ها، خدای یگانه است.
- خداوند تنها مبدأ، سرچشمه و هستی بخش جهان است و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد.

سؤال: چرا خداوند تنها خالق جهان است؟

پاسخ: تصور باطل: چند خدا که هر کدام خالق بخشی از جهان هستند، با همکاری یکدیگر جهان را آفریده‌اند.

* نتیجه ۱: هر کدام از خدایان محدود و ناقص‌اند و به تنهایی نمی‌توانند کل جهان را خلق کنند.

* نتیجه ۲: هر یک از خدایان کمالاتی دارد که دیگر ندارد ← عین هم می‌شوند، چنین خدایانی ناقصی نیازمند خالق کامل و بی‌نیازی هستند.

● توحید در مالکیت:

هر کس که چیزی را پدید می‌آورد مالک آن است.

چون خداوند تنها خالق جهان است ← پس تنها مالک آن نیز هست.

* آیه: «و لله ما فی السماوات و الارض» (آل عمران ۱۰۹)

و برای خداوند است آنچه در آسمان‌ها و زمین است.

- صاحب و مالک هستی خداوند است و جهان از آن اوست.
- خدایی که مالک است حکومت و ولایت و سرپرستی جهان را نیز بر عهده دارد.
- اراده و مشیت و خواست الهی بیان‌گر قضای الهی است.

● توحید در ولایت:

به حق تصرف و تغییر در چیزی که فقط به اذن خدا ممکن است،

ولایت و سرپرستی می‌گویند.

چون خداوند تنها مالک جهان است ← پس تنها سرپرست آن نیز هست.

اذن خدا در ولایت: اگر خدا پیامبر را ولی معرفی می‌کند، واگذاری ولایت به دیگری نیست بلکه مسیر و مجرا است و واسطه و رساننده ولایت بودن است.

* آیه: «ما لهم من دونه من ولی و لا یشرک فی حکمه احدا» (کهف ۲۷)

آن‌ها هیچ ولی (سرپرستی) جز او ندارند و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی‌سازد.

- تنها ولی، سرپرست و فرمانروای هستی خداست و هیچ کس جز به اذن او اجازه تصرف و تغییر در جهان را ندارد.
- ولایت هر شخص دیگری جز خداوند، مأذون به اجازه الهی است و استقلال و واگذاری در ولایت نفی شده است.

● توحید در ربوبیت:

رب: تدبیر و پرورش مخلوقات، اداره جهان و هدایت به سوی مقصدی معین

خداوند، خالق، مالک و ولی جهان است ← تدبیر و پرورش جهان به دست اوست.

♦ تدبیر انسان:

- در مقایسه با دیگران ← زراعت و کشاورزی حاصل دسترنج انسان است.
- در مقایسه با خدا ← هم خودش و نیرو و توانش، هم استعدادها، همه از آن خدا و تحت تدبیر اوست.
- نتیجه: زارع حقیقی خداست ← وظیفه ما: شکرگزاری

شاهد عینی



شهریور ۱۴۰۳: با پذیرش توحید در ربوبیت، نقش انسان در پرورش و تدبیر سایر مخلوقات قابل قبول است یا خیر؟ با مثال توضیح دهید.

پاسخ: توحید در ربوبیت بدین معنا نیست که انسان نقشی در پرورش و تدبیر سایر مخلوقات ندارد، باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان می‌پردازد، رشد این درختان تدبیر اوست. توحید در ربوبیت بدین معناست که این باغبان و تدبیرش همه از آن خدا و تحت تدبیر او هستند. (درس دو صفحه ۲۰ - بارم این سؤال در نهایی ۱/۲۵)

* آیه: «قل اغیر الله ابغی ربا و هو رب کل شیء» (انعام ۱۶۴)

بگو آیا جز خدا پروردگاری را بطلبیم در حالی که او پروردگار همه چیز است؟

- طلبیدن پروردگاری جز خدا مردود است و این آیه با لحن استفهام انکاری، شرک در ربوبیت را نفی می‌کند.
- تدبیر و پرورش همه پدیده‌های هستی به دست خداست و این همان مفهوم توحید در ربوبیت است.

♦ شرک (شریک قرار دادن برای خدا):

• مراتب شرک:

- **شرک در خالقیت:** اعتقاد به این که جهان را چند خالق آفریده‌اند.
- این تصور که چند خدا وجود دارد و هر کدام خالق برخی از جهان‌اند یا با همکاری جهان را آفریده‌اند به معنای آن است که هر کدام را محدود و ناقص دانستیم و این‌ها به تنهایی نمی‌توانند کل جهان را خلق کنند. همچنین به معنای آن است که هر یک از خدایان کمالاتی دارند که دیگری آن کمالات را ندارد و گرنه عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند.
- **شرک در مالکیت:** اعتقاد به این که علاوه بر خدا و در کنار او دیگران هم مالک بخشی از جهان هستند.
- نتیجه اعتقاد به شرک در خالقیت ← شرک در مالکیت
- **شرک در ولایت:** اعتقاد به این که علاوه بر خدا و در کنار او دیگران سرپرستی جهان و حق تصرف در آن را دارند.
- **شرک در ربوبیت:** اعتقاد به این که علاوه بر خدا و در کنار او دیگران تدبیر امور موجودات را بر عهده دارند، اگر کسی در کنار ربوبیت الهی، برای خود یا دیگران حساب جداگانه باز کند، گمان شود کسی می‌تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند.

شاهد عینی



شهریور ۱۴۰۳: ارتباط موارد سمت راست و سمت چپ را تعیین کنید. (در سمت چپ یک مورد اضافی است.)

- | | |
|----------------------------------|--------------------|
| الف) آفرینش جهان توسط چند مبدأ | ۱) توحید در ولایت |
| ب) پرورش‌دهنده حقیقی بودن خداوند | ۲) شرک در ربوبیت |
| ج) حق تصرف خداوند در امور عالم | ۳) توحید در ربوبیت |
| | ۴) شرک در خالقیت |

پاسخ: الف مربوط به ۴/ ب مربوط به ۳/ ج مربوط به ۱ (درس دو ص ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ - بارم این سؤال در نهایی ۱/۵)

شهریور ۱۴۰۳: اصطلاح شرک در ولایت را تعریف کنید.

پاسخ: اعتقاد به این که علاوه بر خداوند در کنار او دیگرانی نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و خودشان حق تصرف در جهان را دارا می‌باشند. (درس دو ص ۲۱ - بارم این سؤال در نهایی ۵/۵)

* آیه: «قل من رب السماوات والارض قل الله قل افاتخذتم من دونه اولیاء لا یملکون لا نفسهم نفعوا لا ضرا قل هل یستوی الاعمی و البصیر ام هل تستوی الظلمات و النور ام جعلوا لله شرکاء خلقواخلقه فتشابه الخلق علیهم قل الله خالق کل شیء و هو الواحد القهار» (کهف ۲۶)

بگو پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ بگو خداست. بگو آیا غیر از او سرپرستانی گرفته‌اید که حتی اختیار سود و زیان خود ندارند؟ بگو آیا نابینا و بینا برابر است؟ آیا تاریکی‌ها و روشنایی برابرند؟



یا آن‌ها شریک‌هایی برای خدا قرار داده‌اند که آن شریکان هم مثل خداوند مخلوقی خلق کرده‌اند، و خلقت‌ها بر آن‌ها مشتبه شده است و از این رو شریکان را نیز مستحق عبادت دیده‌اید. بگو خالق همه چیز خداست و او یکتای مقتدر است.

- رب: توحید در ربوبیت
- اولیا: نفی شرک در ولایت
- لا یملکون: نفی شرک در مالکیت
- خالقوا: نفی شرک در خالقیت
- خالق: توحید در خالقیت
- کسی را می‌توانیم به عنوان ولی و سرپرست خود انتخاب کنیم که اختیار سود و زیان خود و همه مخلوقات را داشته باشد، پس کسی که اختیار سود و زیان خود را ندارد، نمی‌تواند، ولی و سرپرست باشد.
- اگر غیر خدا، دیگران هم مخلوقی داشتند ممکن بود در توحید به شک بیفتیم.
- قیاس خدا با دیگران، مانند مقایسه نور با تاریکی و یا مقایسه بینا و نا بیناست که قطعاً غلط است.
- علت توحید در خالقیت یگانگی و یکتایی خداست.

♦ درخواست از غیر خدا:

سؤال: آیا درخواست از غیر خدا شرک است؟

پاسخ: **اولاً:** خداوند رابطه علیت را میان پدیده‌ها حاکم کرده است.

علل مادی: آتش ← گرما و روشنی پزشک ← درمان

معمار ← بنای ساختمان معلم ← تعلیم و تربیت

علل معنوی: دعا ← مغفرت و آمرزش صدقه ← دفع بلاء صلۀ رحم ← افزایش طول عمر

بنابراین، مراجعه به علل و اسباب، عمل به قانون الهی است.

ثانیاً: درخواست از پزشک ← درمان با اسباب مادی ← با توحید منافات ندارد.

اگر توانایی درمان را از آن‌ها و مستقل از خدا بدانیم ← عین شرک

درمان را اگر با درخواست از خدا و به اذن او بدانیم ← عین توحید

درخواست از اولیای دین ← درمان با اسباب غیرمادی، روحانی و معنوی ← با توحید منافات ندارد.

درخواست از پیامبر (ص) برای اجابت خواسته تنها به زمان حیات دنیوی اختصاص ندارد.

پس از رحلت استمرار دارد، روح مطهر ایشان زنده است و می‌تواند به انسان‌ها یاری برساند.

اگر توانایی شفا را از خود پیامبر (ص) و بدون اذن خداوند بدانیم، شرک است.

اگر توانایی شفا را از خداوند و با درخواست پیامبر (ص) از او بدانیم، توحید است.

♦ جریان تکفیری:

تنها گروهی که توسل و درخواست از غیر خدا را شرک می‌داند.

پیروان این جریان دارای فکری خشک و غیرعقلانی هستند و هر مسلمانی را که مانند آنان نمی‌اندیشد مشرک و کافر و کشتن او را واجب می‌دانند.

می‌گویند توسل به معصومان (ع)، طلب دعا و شفیع قرار دادن دیگران، شرک است.

بزرگ‌ترین ضربه را به اسلام وارد کردند ← سبب تنفر برخی از مردم جهان از اسلام شدند.

زیر زره سینه

از این قسمت به نظر بنده یا در امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴ یا در شبه نهایی‌هایی که در اردیبهشت برگزار می‌شود، سؤال طرح می‌شود، تحت عناوین زیر:

عنوان یک: سه مورد از عقاید غلط تکفیری‌ها درباره توحید و شرک را بنویسید.

عنوان دو: نتیجه عقیده و عملکرد تکفیری‌ها چیست؟

◆ کلید واژه‌های مهم:

خالقیت ← مبدأ - خالق - بی‌شریک و بی‌همتا در کار آفرینش - سرچشمه - منشأ هستی بخش - پدیدآورنده - اصل و ریشه - از خدا بودن
 مالکیت ← صاحب - از آن خدا بودن - مالک - اختیار سود و زیان - لایملکون
 ولایت ← سرپرستی - تصرف - تغییر - فرمانروایی - ولی - حکم - حکومت
 ربوبیت ← تدبیر - پرورش - اداره - اراده - صاحب اختیار - رب - هدایت به سوی مقصد - شفا دادن - دادن حاجت - زارع حقیقی - تشاء -
 یرید الله - پروردگار - دست‌اندر کار امری - نیاز موجودات به خدا در بقاء - اثر - تربیت - پشتیبانی
 توحید ← به اذن - اجازه - وابسته - در طول - در راستای - مسیر و مجرا - واسطه و رساننده
 شرک ← در کنار - جداگانه - بخشی از - مستقل - در عرض - واگذاری

دین و زندگی ۳

درس: ۱ و ۲

هستی‌پیش و یگانگی بی‌همتا

صفحات: ۲۷ تا ۲۹



درس ۱ و ۲ علوم و فنون ۳، از مهم ترین درس های کتابه و سهمی همیشگی توی سوالات نهایی داره! از درس یک بیشتر به صورت کوتاه پاسخ، جای خالی، چندگزینه ای و صحیح - غلط سؤال میاد و از درس ۲ بیشتر سؤال بلند پاسخ! باید خیلی خوب بتونی ابیات ناهمسان رو تقطیع کنی و ارکان اون رو تشخیص بدی! باید بدونی که بعضی ابیات رو میشه به دو صورت تقسیم بندی هجایی کرد و هردو صورتش رو بلد باشی تا بتونی تمام بارم این درس رو کسب کنی. توی امتحان نهایی از درس ۱ حدود ۱ نمره و از درس ۲ حدود ۱/۵ نمره سؤال خواهی داشت و ما مطمئنیم تو از پس این سوالاتا برمیایی.

درس ۱ علوم و فنون پایه دوازدهم

♦ تاریخ ادبیات دوره بازگشت:

خستگی ناشی از تخیل بیش از اندازه سبک هندی و ذهنی گرایی شاعران این سبک باعث ایجاد و پیدایش سبک بازگشت شد! برخی از شاعران این دوره به سبک خراسانی و برخی دیگر به سبک عراقی بازگشتند به شیوه گذشتگان شعر سرودند.

<p>قصیده سرایان بازگشت:</p> <p>۱- صبا کاشانی ۲- قآنی ۳- سروش اصفهانی</p>	<p>۱- انجمن ادبی اصفهان (با مدیریت مشتاق اصفهانی و چندتن از ادیبان در زمان نادرشاه و کریم خان زند) ۲- انجمن ادبی نشاط (با مدیریت عبدالوهاب نشاط) ۳- انجمن ادبی خاقان (با مدیریت فتحعلی شاه با هدف رهایی شعر از تباهی دوره صفویه)</p>	<p>انجمن های ادبی سبک بازگشت</p>
<p>غزل سرایان بازگشت:</p> <p>۱- مجمر اصفهانی ۲- فروغی بسطامی ۳- نشاط اصفهانی</p>	<p>۱- هاتف اصفهانی (معروف ترین شاعر بازگشت) ۲- نشاط اصفهانی (نویسنده گنجینه نشاط) اثر: گنجینه نشاط ۳- صبای کاشانی (پرچم دار بازگشت ادبی) (آثار: گلشن صبا - خداوندنامه)</p>	<p>شاعران این سبک</p>

♦ تاریخ ادبیات دوره بیداری:

در این دوره، شعرای آزادی خواه و گروهی از روشنفکران به نقد شرایط موجود پرداختند که دولت با این حرکت مخالف بود. این اتفاق باعث شد فصل جدیدی در ادبیات پدید آید که به آن «ادبیات بیداری» یا «ادبیات مشروطه» می گویند.

<p>۱- محمدتقی بهار (آثار: تاریخ تطور نظم فارسی - تاریخ مختصر احزاب سیاسی - سبک شناسی) / (زبان «بهار» خراسانی و حماسی است). ۲- ادیب الممالک فراهانی (وی سردبیر روزنامه مجلس بود). ۳- سید اشرف الدین گیلانی (لقب: نسیم شمال) / (مدیر روزنامه نسیم شمال بود). ۴- ایرج میرزا (چون از نوادگان فتحعلی شاه بود مردم او را آزادی خواه نمی دانستند). ۵- عارف قزوینی (موسیقی دان عهد مشروطه) ۶- فرخی یزدی (شاعر آزادی خواه و نماینده مردم یزد در مجلس هفتم که اشعار مسعود سعد و سعدی بر وی تاثیر گذار بود). ۷- میرزاده عشقی (آثار: سه تابلو مریم یا ایده آل) / (مدیر روزنامه «قرن بیستم» بود) / (توسط رضاخان ترور شد).</p>	<p>شاعران بیداری</p>
<p>۱- قائم مقام فراهانی (لقب: احیا کننده نثر فارسی) / (نثر را از تکلف خارج کرد) / (اثر: منشآت) ۲- علی اکبر دهخدا (از پیشگامان نثر جدید فارسی است ولی شعر هم می سرود) / (آثار: لغت نامه - چرند و پرند - امثال حکم) / (روزنامه «سروش» را در استانبول منتشر می کرد) / (چرند و پرند را در روزنامه صوراسرافیل منتشر می کرد).</p>	<p>نویسندگان بیداری</p>

حوزه‌های نثر
بیداری

- ۱- روزنامه‌نگاری (صوراسرافیل: میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل / بهار: میرزا یوسف خان اعتصامی / نوبهار و دانشکده: محمدتقی بهار / نسیم شمال: اشرف‌الدین گیلانی)
- ۲- داستان‌نویسی (محمدباقر میرزا خسروی: شمس و طغرا / میرزا حسن خان بدیع: شمس‌الدین و قمر - داستان باستان)
- ۳- نمایشنامه‌نویسی (اولین نمایشنامه‌نویس فارسی میرزا آقا تبریزی است.)
- ۴- ترجمه (از مهم‌ترین آثار ترجمه‌شده: «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی»، اثر «جیمز موریه»، ترجمه «میرزا حبیب اصفهانی» است.)
- ۵- تحقیقات ادبی (تنها اثر قابل توجه «تاریخ بیداری ایرانیان» از ناظم‌الاسلام کرمانی با موضوع تاریخ مشروطه می‌باشد.)

شاهد عینی



به این سؤال از امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳ دقت کنید:

* کدام یک از چهار جمله مشخص شده درباره زندگی علی‌اکبر دهخدا نادرست است؟

از پیشگامان نثر جدید فارسی است^۱، شعر هم می‌سرود^۲ و با روزنامه صوراسرافیل همکاری داشت^۳ او مجموعه چرند و پرند را در روزنامه سروش منتشر کرد^۴.

پاسخ: چهارمین جمله نادرست است. او مجموعه «چرند و پرند» را در روزنامه «صوراسرافیل» منتشر کرد.

درس ۲ علوم و فنون پایه دوازدهم

♦ اوزان ناهمساز:

در سال‌های گذشته با اوزان همسان تک‌لختی و دولختی آشنا شدیم؛ گاهی اوقات اوزان فارسی از ارکان مختلفی با چینی غیر مرتب به صورت (Z W Y X) تشکیل می‌شوند که به آن‌ها اوزان ناهمساز می‌گوییم.

♦ جدول ارکان عروضی (پایه‌های آوایی):

مهم‌ترین اوزان ناهمساز مورد نیاز در جدول زیر آمده است:

فعلاتن مفاعِلن فَعْلَن	— U U / — U — U / — — U U	اوزان ناهمساز	۱
مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فَع	— / — U U — / U — U — / — U U —		۲
مفاعِلن فَعلاتن مفاعِلن فَعْلَن	— U U / — U — U / — — U U / — U — U		۳
مستفعلن فاعلاتن فَع لن مفعول مفاعِلن فَعولن	— — / U — U — / U U — — — — U / — U — U / U — —		۴
مستفعلن مستفعلن مستفعلن فَع مفعول مفاعِلن مفاعِلن فَعْل	— / U U — — / U U — — / U U — — — U / U — — U / U — — U / U — —		۵
مستفعلن فاعلاتن مستفعلن مفعول مفاعِلن مفاعِلن	— — — / U — U — / U U — — — — — U / — U — U / U — —		۶
مستفعلن مفاعل مستفعلن فَعْل مفعول فاعلاتن مفاعِلن فاعِلن	— U / — U — — / U U — U / — U — — — U — / U — — U / U — U — / U — —		۷
مستفعلن مفاعل مفعولن مفعول فاعلاتن مفاعِلن	— — — / U U — U / — U — — — — — U / U — U — / U — —		۸
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مُسْتَف مفعول مفاعِلن مفاعِلن فَعولن	— — / U U — — / U U — — / U U — — — — U / U — — U / U — — U / U — —		۹

«بعضی از ابیات را می‌توانیم به دو صورت تقسیم‌بندی هجایی کنیم. ابیاتی که با «مفعولُ = - - U» شروع می‌شوند قابلیت تقسیم‌بندی به دو صورت را دارند.

زیر زره بین

به وزن شماره ۹ جدول دقت کن ...

یادت باشه طراح عاشق پرسیدن این سواله!

سوال: بهتره یک مصراع رو به صورت «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن» تقسیم‌بندی کنیم یا به صورت «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُستَفَّ» مُستَفَّ؟؟؟ چرا؟؟؟

در پاسخ باید بهش بگی بهتره به صورت «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُستَفَّ» تقسیم‌بندی کنیم، چون تقسیم‌بندی به صورت همسان اولویت داره به ناهمسان!

شاهد عینی



به این سوال از امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳ دقت کنید:

* نشانه‌های هجایی کدام بیت را می‌توان به دو صورت «همسان و ناهمسان» برش آوایی داد؟ نظم کدام برش بر دیگری برتری دارد؟

الف) چون جام شفق موج زند خون به دل من / با این همه دور از تو مرا چهره زردی است

ب) ترک گدایی مکن که گنج بیابی / از نظر رهروی که در گذر آید

پاسخ: الف، این بیت را می‌توان به صورت ناهمسان «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن» و به صورت همسان «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُستَفَّ» برش آوایی زد، اما حالت همسان «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُستَفَّ» به حالت ناهمسان برتری دارد.



مقدمه

این درس پایه و اساس فلسفه اسلامی است پس خوب یاد بگیرش.
این درس علاوه بر مباحث حفظی، حتماً باید مفهومی هم یاد گرفته شود.
از این درس در آزمون ترم اول ۳ نمره و در امتحان نهایی خرداد، ۱ نمره سؤال طرح می‌شود.

فلسفه ۲

♦ هستی و چیستی:

- یکی از مباحث اولیه فلسفه اسلامی، درک دو مفهوم وجود و ماهیت و تعیین نسبت میان آن دو است ← یعنی وجود و ماهیت در ذهن و خارج، عینیت دارند یا مغایرت.
- این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم هستند و معمولاً کنار هم به کار می‌روند و برای شناخت آن‌ها چهار قدم بر می‌داریم.

♦ قدم نخست (اصل واقعیت):

- ✓ در این قدم متوجه شدیم چیزهایی در اطراف ما واقعی هستند.
- ✓ ما می‌دانیم که اشیا و موجوداتی اطراف ما وجود دارند و می‌توانیم آن‌ها را بشناسیم.
- ✓ انسان در خود نیازهای واقعی را می‌یابد و از اشیا واقعی برای رفع نیاز خود استفاده می‌کند.

شاهد عینی



سؤال: اصل واقعیت را تعریف کنید؟

۵۰ پاسخ: ما می‌دانیم که اشیا و موجوداتی اطراف ما وجود دارند و می‌توانیم آن‌ها را بشناسیم.

♦ قدم دوم:

- ✓ انسان در هر موجود یا شیء که مشاهده می‌کند، دو جنبه وجود و ماهیت را می‌فهمد.
- ✓ وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آن‌ها هست.
- ✓ وجود و ماهیت دو جنبه از هر شیء است نه دو بخش سازنده آن‌ها.
- ✓ هنگام استفاده از این و آن وقتی می‌گوییم این چیست؟ یعنی به وجود اشیا پی برده‌ایم ولی به ماهیت آن‌ها نه!

شاهد عینی



دی ۱۳۹۹ - خرداد ۱۴۰۰: به ترتیب وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟

۵۰ پاسخ: وجود (هستی) و ماهیت (چیستی)

♦ قدم سوم:

- ✓ فارابی به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه‌ای کرد و تمایز میان آن‌ها را مطرح کرد.
- ✓ ابن‌سینا راه فارابی را ادامه داد و گفت وجود و ماهیت دو مفهوم از یک چیزاند ← یعنی وجود و ماهیت دو جنبه از یک واقعیت است نه اجزای سازنده آن.
- ✓ وجود و ماهیت در خارج دو امر جداگانه نیستند.

♦ تکمیل گزاره:

- ✓ اشیاپی که هم چیستی و هم هستی آن‌ها را می‌دانیم ← درخت، آب، لیوان
- ✓ اشیاپی که از چیستی آن‌ها آگاه ولی از هستی آن‌ها آگاه نیستیم ← دیو، سیمرغ، انسان پنج سر
- ✓ اشیاپی که از چیستی آن‌ها آگاه نیستیم ولی از هستی آن‌ها آگاه هستیم ← خدا، انرژی، روح

درس: ۱ و ۲

صفحات: ۱ تا ۱۲



زیر ذره بین



خیلی خوب تکمیل گزاره صفحه ۴ کتابت رو یاد بگیر، می تونه سؤال امتحان نهایی امسال باشه!!

شاهد عینی



خرداد ۱۴۰۲: از دیدگاه ابن سینا وقت می گوئیم «آب و وجود دو مفهوم از یک چیزاند» چه معنایی دارد؟

۵۰ پاسخ: یعنی آن‌ها دو جز از یک موجود نیستند که با هم ترکیب شده باشند بلکه از موجودی واحد، دو مفهوم مختلف را به دست آورده‌ایم یعنی در عالم خارج، دو امر جداگانه آب و وجود نداریم.

◆ قدم چهارم:

- ✓ در این قدم، ابن سینا، مغایرت وجود و ماهیت را اثبات می‌کند.
- ✓ وقتی می‌گوئیم (انسان حیوان ناطق است)، حمل حیوان ناطق بر انسان، دلیل نمی‌خواهد چون حیوان ناطق ذات انسان است.
- ✓ ولی وقتی می‌گوئیم (انسان وجود دارد)، وجود از اجزای ذاتی انسان نیست، پس نیازمند دلیل است.
- ✓ انسان (ماهیت) با مفهوم وجود مغایرت دارد ← مغایرت وجود و ماهیت

◆ گذر تاریخی:

- ✓ مغایرت وجود و ماهیت یکی از اساسی‌ترین آرای فلسفه اسلامی است.
- ✓ آکوئیناس این اصل را در اروپا گسترش داد.
- ✓ آکوئیناس مانند ابن سینا، اصل مغایرت را مبدأ برهان خداشناسی خود کرد.
- ✓ نام فلسفه آکوئیناس، تومیسیم است که هنوز وجود دارد.
- ✓ او بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های ابن سینا و اندکی ابن رشد بود.
- ✓ اروپائیان از طریق تومیسیم، با ابن سینا و ابن رشد آشنا شدند و مجدداً با فلسفه ارسطو ارتباط برقرار کردند.

شاهد عینی



شهریور ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰: یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف اروپایی که نظریه مغایرت را پایه برهان خداشناسی خود قرار دادند نام ببرید؟

۵۰ پاسخ: ابن سینا - توماس آکوئیناس

درس دوم - جهان ممکنات



مقدمه

این درس در ادامه درس قبل هست، فقط تو رو خدا حمل این درس رو با درس قبل قاطی نکن!!
این درس در امتحان ترم اول ۳/۵ نمره و در امتحان نهایی ۱ نمره خواهد داشت.

◆ جهان ممکنات:

چه روزهایی که دانشمندان تصورات محدودی از موجودات طبیعی داشتند و چه امروز که دانسته‌اند طبیعت به این گستردگی است، بسیاری از مسئله‌های اساسی (فلسفی) وجود دارند که ثابت مانده‌اند و متفکران درباره آن‌ها بحث می‌کنند.





دقت کنید مسئله‌ها ثابت مانده‌اند، اما پاسخ‌ها متفاوت هستند.

◆ نسبت‌های سه‌گانه قضایا:

۱ **ضروری - وجوبی:** مثلث سه ضلعی است، محمول این قضیه برای موضوع خود ضروری است، زیر ذاتی موضوع خود است.



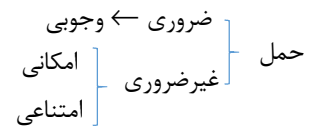
ذاتی در اینجا به معنای ذاتی درس اول نیست. ذاتی در اینجا یعنی همیشه با موضوع همراه است.

۲ **غیرضروری - امکانی:** دیوار خانه ما سفید است، محمول این قضیه برای موضوع خود ضروری نیست، هم می‌تواند این موضوع را بپذیرد و هم می‌تواند نپذیرد.

۳ **غیرضروری - امتناعی:** عدد هشت فرد است، برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است.

جمع بندی: بین عزیزجان، این حمل‌های سه‌گانه بر اساس این هست که حمل همیشه درست (ضروری)، گاهی درست و گاهی نادرست (امکانی) و یا همیشه نادرست است (امتناعی).

جمع بندی:



شاهد عینی

سؤال: نوع حمل‌های زیر را مشخص کنید:

۱- زمستان سرد است.

۲- طلا ارزشمند است.

۳- انسان جسم است.

۴- زمین کروی است.

۵۰ پاسخ: ۱) امکانی ۲) امکانی ۳) وجوبی ۴) امکانی

◆ رابطه وجود با موضوع‌های مختلف

الان می‌خواهیم همان حمل‌های سه‌گانه قبلی را با این فرض که محمول آن‌ها (وجود) یا (وجود داشتن) باشد، بررسی کنیم:

۱ **واجب الوجود:** موضوعی که با محمول وجود، رابطه وجوبی داشته باشد: خدا وجود دارد.



فقط خدا واجب الوجود بالذات است.

۲ **ممکن الوجود:** موضوعی که با محمول وجود رابطه امکانی دارد: دیوار وجود دارد.

۳ **ممتنع الوجود:** موضوعی که با محمول وجود رابطه امتناعی دارد: سیاه سفید وجود دارد یا شریک خدا وجود دارد.

سؤال مهم: چرا بعضی موضوعات رابطه امکانی دارند (یعنی ممکن الوجود هستند)، اما الان وجود دارند؟

فارابی و ابن‌سینا به این سؤال جواب داده‌اند.

پاسخ: چون این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود، ممکن الوجود هستند و با وجود رابطه امکانی دارند، همین رابطه امکانی (امکان ذاتی) به آن‌ها اجازه می‌دهد که اگر علت وجود آن‌ها آمد، آن‌ها نیز موجود شوند (واجب الوجود بالغير).



بذار به جور دیگه بگم بهت:

حالت ممکن الوجود مثل یک ترازو هست که دو کفه آن در حالت تعادل قرار دارد و هیچ کفه‌ای بر دیگری برتری ندارد. حال فرض می‌کنیم که یک کفه پایین آمده است، حال می‌گوییم حتماً علتی در کار بوده است، زیرا عقلاً محال است که خود به خود یا بدون علت یک کفه سنگین شود. **جمع بندی:** بین عزیزجان، یک کفه سنگین شده یعنی ممکن الوجود ما به واسطهٔ علتی، ایجاد می‌شود.



انسان ممکن الوجود هست یعنی ماهیت انسان با وجود، رابطهٔ امکانی دارد یعنی انسان می‌تواند باشد یا می‌تواند نباشد.

یعنی ذات انسان این‌گونه نیست که حتماً باشد (واجب الوجود) یا حتماً نباشد (ممتنع الوجود).
با بودن علت، وجود برای انسان ضروری می‌شود و واجب الوجود می‌شود، اما واجب الوجود بالغیر.

جمع بندی:

واجب الوجود } بالذات ← فقط خدا
} بالغیر ← همان ممکن الوجودهایی که به واسطهٔ علت‌هایشان ایجاد شده‌اند.



شهریور ۱۳۹۹: واجب الوجود بالذات را تعریف کنید.

۰۰ پاسخ: همان ذاتی که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت از ناحیهٔ خود ذات او است.

شهریور ۱۴۰۲: هر یک از موارد ذکر شده در جدول یا واجب الوجود یا ممکن الوجود یا ممتنع الوجود است.

شیرین شور	فضا پیما	هندوانه
الف	ب	ج

۰۰ پاسخ: الف: ممتنع الوجود، ب: ممکن الوجود، ج: ممکن الوجود

جغرافیا ۳ - درس ۱ - شهر و روستا

♦ مقرر و موقعیت:

- ✓ سرآغاز مطالعه و شناخت یک سکونتگاه شهری و روستایی
- مقرر (مکان، جایگاه)
- موقعیت
- ✓ مقرر: مکان اصلی و دقیق یک سکونتگاه و محل استقرار آن روی زمین که هسته اولیه را شامل می‌گردد.

شاهد عینی



نهایی خرداد ۱۴۰۳: کلمه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

مکان اصلی و دقیق یک سکونتگاه و محل استقرار آن روی زمین (مقرر - موقعیت) است.

پاسخ: مقرر

- ✓ هسته اولیه: مکانی که مردم بر حسب نیاز، آن را برای زندگی انتخاب کرده و به اشغال درآورده‌اند و بعدها روستا یا شهر از آن محل گسترش یافته است.
- ✓ در انتخاب مکان برای استقرار سکونت جمعیت، عوامل طبیعی بیشترین نقش را دارند.

- ✓ عوامل مؤثر در سکونت‌گزینی انسان در یک مکان
- عوامل طبیعی
 - آب فراوان
 - آب و هوای ملایم
 - خاک حاصلخیز

- عوامل انسانی
 - عوامل سیاسی و تصمیمات حکومتی
 - دسترسی به راه‌های تجاری
 - عوامل دفاعی و نظامی

✓ مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری هسته اولیه روستاها و شهرهای ایران:

- قرار گرفتن در تقاطع راه‌ها
- قلعه‌های دفاعی
- دسترسی به منابع آب
- بازارهای محلی

- ✓ موقعیت: وضعیت سکونتگاه نسبت به پدیده‌های پیرامون خود و نیز جایگاه آن در سطح ناحیه.
- ✓ موقعیت یک شهر یا روستا در ادامه حیات و گسترش آن سکونتگاه و یا حتی نابودی و زوال آن نقش دارد.

♦ تفاوت‌های شهر و روستا:

✓ ملاک‌های تفاوت‌های شهر و روستا:

- فعالیت‌های اقتصادی (مهم‌ترین ملاک)
- ♦ روستا: کشاورزی (نوع اول)
- ♦ شهر: صنعت و خدمات (نوع دوم و سوم)
- میزان جمعیت (متداول‌ترین ملاک)
- وسعت و فضای سکونت و فعالیت
- دسترسی به تسهیلات و خدمات
- فرهنگ و مناسبات اجتماعی

شاهد عینی



نهایی خرداد ۱۴۰۳: کلمه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

متداول ترین ملاک تشخیص شهر و روستا (فعالیت اقتصادی - میزان جمعیت) آن‌ها است.

پاسخ: میزان جمعیت

- ✓ در شهر، خانه‌ها و مغازه‌ها فشرده‌تر و تراکم فعالیت‌های متنوع در فضاهای محدودتر است، ولی در روستا، فضاهای باز و چشم‌اندازهای طبیعی بیشتر و گسترده‌تر است.
- ✓ در شهر نوگرایی بیشتر و تغییرات اجتماعی سریع‌تر است، ولی در روستا روابط خویشاوندی، وابستگی اجتماعی و همکاری بیشتر است.

شاهد عینی



نهایی خرداد ۱۴۰۳: کلمه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

نوگرایی و تغییرات اجتماعی در (شهرها - روستاها) سریع‌تر است.

پاسخ: شهرها

◆ سلسله مراتب سکونتگاه‌ها:

- ✓ سلسله مراتب سکونتگاه‌ها به معنی رتبه‌بندی آن‌ها بر حسب «اهمیت» است.
- ✓ طبقه‌بندی سکونتگاه‌ها
 - بر اساس جمعیت
 - بر اساس عملکرد (ارائه خدمات)
- ✓ با توجه به اهداف و نوع مطالعات محققان و تفاوت‌های مکانی، معیارهای رتبه‌بندی با توجه به حوزه نفوذ سکونتگاه متفاوت است.

◆ حوزه نفوذ سکونتگاه:

- ✓ حوزه نفوذ: محدوده جغرافیایی که از یک سکونتگاه کالا و انواع خدمات دریافت می‌کند و بین آن محدوده و سکونتگاه، جریان کالا و خدمات و رفت و آمد افراد وجود دارد.

- ✓ جنبه‌های مورد بررسی حوزه نفوذ سکونتگاه عبارتند
 - آستانه جمعیتی نفوذ
 - دامنه نفوذ

- ✓ آستانه جمعیتی نفوذ، یعنی حداقل جمعیت یک منطقه که تقاضای کالا، خدمات یا عملکرد از آن سکونتگاه دارند.
- ✓ دامنه نفوذ: یعنی بیشترین مسافتی که توسط مردم منطقه برای دریافت کالا یا خدمات از آن سکونتگاه طی می‌شود.

◆ به سوی جهانی در حال شهری شدن:

- ✓ یکی از مهم‌ترین تغییرات فضای جغرافیایی در قرن ۲۰ و ۲۱، افزایش شهر و شهرنشینی است.
- ✓ شهرنشینی، افزایش نسبت جمعیت شهرهای یک کشور یا ناحیه به روستاهای آن است.
- ✓ میزان شهرنشینی در کشورهای آمریکای شمالی، اروپا، اقیانوسیه و آمریکای جنوبی (لاتین) بیشتر از قاره آسیا و آفریقا است.
- ✓ سرعت گسترش شهرنشینی در آسیا و آفریقا بیشتر از سایر نواحی جهان است.
- ✓ دلایل رشد شهرنشینی در آسیا و آفریقا

- صنعتی شدن و توسعه کارخانه‌ها
- رشد بخش خدمات
- ورود به تجارت جهانی
- مهاجرت فزاینده روستائیان به شهرها به منظور اشتغال و دستمزد بیشتر



شاهد عینی



نهایی مرداد ۱۴۰۳: عبارت درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

افزایش نسبت جمعیت شهرهای یک کشور یا ناحیه به روستاهای آن را (شهرگریزی - شهرنشینی) می‌گویند.

پاسخ: شهر نشینی

افزایش شهرهای میلیونی:

- ✓ یکی از مهم‌ترین پدیده‌های مربوط به تغییرات الگوی شهرنشینی در جهان، افزایش شهرهای میلیونی است.
- ✓ در سال ۱۹۵۰ میلادی فقط دو شهر لندن و نیویورک بیشتر از ۸ میلیون نفر جمعیت داشتند.

از مادرشهر تا زنجیره کلان شهرها (مگالاپلیس):

- ✓ متروپل (مادرشهر): بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر یک ناحیه، استان یا یک کشور که معمولاً به آن کلان‌شهر هم می‌گویند.
- ✓ مگاسیتی یا کلان‌شهر، شهری است که جمعیتی بیش از ۱۰ میلیون نفر دارد.
- ✓ در ایران به مادرشهرهایی که بیش از یک میلیون نفر جمعیت داشته باشد بر اساس مصوبه شورای عالی معماری و شهرسازی، «کلان‌شهر» می‌گویند.
- ✓ حومه: به بخش‌های پیرامونی یک شهر می‌گویند.

افزایش شهرنشینی

- ✓ عوامل شکل‌گیری حومه‌ها در اطراف شهرها
- گسترش حمل و نقل و وسایل ارتباطی

- ✓ انواع حومه‌های شهری: خوابگاهی، صنعتی، فقیرنشین و مرفه‌نشین
- ✓ با افزایش جمعیت مادرشهرها و گسترش حومه‌های آن‌ها به تدریج منطقه مادرشهری به وجود می‌آید. در پیرامون برخی از مادرشهرها، شهرها و شهرک‌های اقماری پدید آمده‌اند.
- ✓ جهان‌شهر: شهرهایی که به سبب نقش مهم آن‌ها در اقتصاد و تجارت جهانی، حوزه نفوذ بسیار وسیعی در سطح جهان دارند.
- ✓ مگالاپلیس (ابرشهر) (شهر زنجیره‌ای): از گسترش فوق‌العاده زیاد دو یا چند مادرشهر در امتداد مسیرهای ارتباطی به وجود می‌آید.
- ✓ مهم‌ترین ویژگی‌های مگالاپلیس‌ها:

- تمرکز و انبوهی جمعیت شهری
- تمرکز مؤسسات مالی و پولی
- تمرکز صنایع دانش‌بنیان
- فراوانی آمد و شد بین مادرشهرهای هم‌جوار

خطی و کریدوری

- ✓ شکل مگالاپلیس‌ها
- خوشه‌ای و کهکشانی

- ✓ مگالاپلیس بوستن - واشنگتن در شمال شرق آمریکا و مگالاپلیس توکیو - یوکوهاما در ژاپن از اولین مگالاپلیس‌های جهان هستند.

شاهد عینی



نهایی خرداد ۱۴۰۳: گزینه مناسب را انتخاب کنید.

برخی معتقدند کلان‌شهر، ترجمه و معادل واژه انگلیسی است.

- (۱) مگاسیتی (۲) متروپل (۳) مگالاپلیس (۴) وردسیتی

پاسخ: گزینه ۱

♦ مهاجرت از روستاها به شهرها:

- ✓ مهاجرت از مهم‌ترین عوامل تغییر در کاهش روستانشینی و افزایش شهرنشینی است.
- ✓ در کشورهای توسعه یافته و صنعتی (اروپا و آمریکای شمالی) مهاجرت تدریجی و طولانی مدت و همگام با تحولات صنعتی شدن بود، در صورتی که در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مهاجرت در دوره زمانی کوتاه‌تر و سریع‌تر از رشد صنعتی انجام شد.
- ✓ با بروز تحولات صنعتی و ورود کشورها به عصر نوسازی (مدرنیزاسیون) نفوذ شهرها و شهرگرایی در روستاها افزایش یافت.
- ✓ شهرگرایی، روندی اقتصادی - اجتماعی است که طی آن شیوه‌های زندگی، رفتار و عملکردها، ارزش‌ها و مظاهر شهری در روستاها و بین روستانشینان رواج می‌یابد.
- ✓ به‌طور کلی در بیشتر روستاها، فعالیت غالب زراعت است.

شاهد عینی



نهایی خرداد ۱۴۰۳: گزینه مناسب را انتخاب کنید.

ساکنان یک روستای کم جمعیت، برای ثبت نام اینترنتی به کافی نت روستا مراجعه می‌کنند. این موضوع بیانگر کدام مفهوم است؟

- (۱) شهرنشینی (۲) شهرگرایی (۳) شهرگرایی (۴) مدرنیزاسیون
- پاسخ: گزینه ۲

♦ روابط شهر و روستا:

- ✓ نوع و چگونگی روابط شهر و روستا در زمان‌های مختلف و در نواحی مختلف جهان، متفاوت بوده است.
- ✓ روابط شهر و روستا را می‌توان از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطالعه کرد.
- ✓ مبادله نابرابر بین شهر و روستا سبب می‌شود، شهر محل انباشت سرمایه، تولید کالاهای کارخانه‌ای و تمرکز اقتصادی باشد.

♦ تغییرات جمعیت شهری و روستایی در ایران:

✓ راه‌های افزایش جمعیت شهری:

- ۱- افزایش طبیعی جمعیت شهرها (رشد موالید نسبت به مرگ و میر)
- ۲- مهاجرت روستائیان به شهرها
- ۳- افزایش جمعیت برخی روستاها و تبدیل شدن آن‌ها به نقاط شهری
- ۴- ادغام روستاها در بافت شهری

✓ تعریف شهر در ایران: جایی که جمعیت بیش از ۱۰ هزار نفر داشته باشد با موافقت وزارت کشور و تأسیس شهرداری در آن، شهر نامیده می‌شود.

تا سال ۱۳۵۵

دوره کند

محصولات کشاورزی بخش عمده تولیدات داخلی را تشکیل می‌داد.

✓ روند شهرنشینی در ایران

از سال ۱۳۳۵ تا امروز

دوره سریع

ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد ایران

مهم‌ترین علل

انجام اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱

✓ تعریف اصلاحات ارضی: تغییر قوانین مالکیت زمین و توزیع مجدد آن به نفع کشاورزان

✓ در ایران اصلاحات ارضی در سه مرحله با سلب مالکیت مالکان بزرگ (ارباب‌ها) و واگذاری زمین به دهقانان خرده‌پا انجام گرفت.

✓ دلایل شکست اصلاحات ارضی و انهدام کشاورزی در ایران:

- تقسیم نادرست زمین
 - حمایت نکردن دولت از کشاورزان
 - توجه به صنایع مونتاژ
 - واردات کالا از کشورهای خارجی
- ✓ از دیگر موضوعاتی که در زمینه شهرنشینی در ایران رخ داد، تبدیل تهران به مادرشهر ملی بود.
- ✓ جمعیت تهران همواره بیش از دو برابر دومین شهر پرجمعیت ایران یعنی مشهد است.

جغرافیا ۳ - درس ۲ - مدیریت شهر و روستا

* مسائل و مشکلات ایجاد شده در سکونتگاه‌ها در دنیای معاصر:

- رشد و توسعه شهرها
- تمرکز جمعیت در شهرها
- افزایش شهرنشینی
- کاهش تدریجی روستانشینی
- مهاجرت نیروی کار کشاورزی از روستاها به شهرها

♦ نیازها و مسائل شهرهای امروز:

برای مدیریت صحیح و کارآمد شهرها، نخست لازم است مهم‌ترین نیازها و مسائلی را که امروزه شهرها با آن روبه‌رو هستند را بشناسیم.

۱ تجهیزات و خدمات عمومی

- ✓ در برنامه‌ریزی شهری، تجهیزات و تسهیلات شهری و نیز خدمات عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد و نسبت آن‌ها با تعداد جمعیت ساکن در شهر سنجیده می‌شود تا نیازها مشخص و کمبودها برطرف گردد.
- ✓ یکی از پدیده‌های ناشی از نظام اقتصادی سرمایه‌داری، نابرابری فضایی است.
- ✓ در شهرهایی که با تمرکز زیاد جمعیت یا مهاجرت گسترده روبه‌رو هستند، مسکن کافی و مناسب وجود ندارد.

۲ مسکن

- ✓ دلایل نداشتن پول کافی برای اجاره یا خرید مسکن توسط فقیران شهری:
- اختلاف طبقاتی شدید
- رعایت نشدن عدالت اجتماعی در توزیع درآمدها
- بی‌توجهی حکومت‌ها به حمایت‌های تأمین اجتماعی
- ✓ حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی جلوه‌هایی از پدیده اسکان غیررسمی یا غیرقانونی در اطراف شهرهای بزرگ است.
- ✓ زاغه‌نشینی نوعی اسکان غیررسمی است که علاوه بر حاشیه شهر ممکن است در نقاط مختلف شهر به وجود آید.
- ✓ ویژگی‌های زاغه‌ها:

- بسیار کثیف بودن
- استفاده از مواد ارزان قیمت در ساخت آن
- فاقد امکانات بهداشتی و فاضلاب
- بالا بودن میزان جرائم و بزهکاری و انحرافات اجتماعی
- ✓ ساخت مسکن ارزان قیمت و اعطای وام مسکن از جمله راه‌های مختلف کشورها یا مدیریت شهری برای تأمین مسکن گروه‌های فقیر شهری و مهاجران می‌باشد.

۳ اشتغال شهری

- ✓ یکی از مشکلات مهم شهرها، افزایش طبیعی جمعیت شهری از یک سو و افزایش در اثر مهاجرت از سوی دیگر به شهرهاست.
- ✓ مهاجران روستایی عمدتاً کارگر ساده و فاقد مهارت و تخصص هستند و از طرفی فرصت‌های شغلی در شهرها محدود است به همین دلیل مهاجران به کارهایی در بخش غیررسمی مانند فروشندگی دوره‌گرد، دلالی و ... مشغول می‌شوند.

✓ راهکارهای ایجاد فرصت‌های شغلی و سر و سامان دادن به مشاغل غیررسمی:

- حمایت از کارآفرینان
- ایجاد غرفه‌هایی با اجاره ارزان برای فروشندگان دوره‌گرد
- توسعه امکانات گردشگری برای جذب گردشگر
- ایجاد شغل

شاهد عینی



نهایی مرداد ۱۴۰۳: در متن زیر دو عبارت اشتباه وجود دارد، تنها عبارات‌های صحیح را در پاسخ‌برگ بنویسید.

«فرصت‌های شغلی در شهرها، برای مهاجران فاقد تخصص فراوان است، به همین دلیل اغلب مهاجران در بخش رسمی اقتصاد شهر اشتغال دارند.»

پاسخ: فراوان ← کم
بخش رسمی ← بخش غیررسمی

۲ امنیت شهری و آسیب‌های اجتماعی

✓ عوامل مؤثر در فقر شهری:

- درآمد کم
- بی‌کاری
- مسکن نامناسب
- حاشیه‌نشینی

✓ وندالسیم شهری: یعنی خسارت وارد کردن به اموال عمومی، بناها و آثار فرهنگی در شهرها
✓ محله‌های قدیمی و فرسوده، زاغه‌ها، ساختمان‌های متروکه و مناطق فاقد نور کافی در شب از نواحی جرم خیز و فاقد امنیت است.

✓ راهکارهای مدیران شهری برای افزایش امنیت شهری:

- شناسایی و از بین بردن علل و ریشه‌های آسیب‌ها مانند فقر و بی‌کاری (گام نخست)
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای شهروندان
- افزایش نظارت و نصب دوربین‌های مداربسته در نقاط مختلف شهر
- بهبود روشنایی شهر
- بازسازی محله‌های فرسوده و قدیمی

۵ محیط زیست شهری

✓ شهرنشینی با افزایش فشار بر منابع، مصرف انرژی و آلودگی آب، خاک و هوا همراه است.
✓ یکی از ارکان مهم پایداری شهری و شهر سالم، به حداقل رساندن آلودگی و تخریب محیط زیست است.

۶ زیباسازی و مبلمان شهری

✓ از آن‌جا که شهر موجودی زنده و فعال و انسان موجودی زیبا پسند است، در طراحی و مدیریت شهری، زیبایی شهر و فضاهای مختلف اهمیت زیادی دارد.
✓ معماری و طراحی شهر، بازتاب فرهنگ و هویت شهروندان است.
✓ مبلمان شهری، مفهومی گسترده و به معنای مجموعه وسیعی از وسایل، نمادها و عناصری مانند نیمکت‌ها، مجسمه‌ها، آب‌نماها و ... که مورد استفاده عموم ساکنان شهر قرار می‌گیرد.
✓ صاحب‌نظران معتقدند که در طراحی مبلمان شهری باید فرهنگ و هنر بومی و ملی تقویت گردد، مانند طراحی خط بساواپی مخصوص عبور نابینایان و رمپ عبور ویلچر در ساختمان‌های عمومی و پارک‌ها

۷ هوشمندسازی شهر

✓ شهر هوشمند شهری است که در آن برای امور مختلف مانند حمل و نقل، مصرف انرژی، مدیریت ترافیک، مدیریت پسماند و ... از فناوری (ICT) استفاده می‌شود.



✓ در شهرهای هوشمند انواع حسگر (سنسور)ها اطلاعات را در سامانه‌های مختلف جمع‌آوری و پردازش می‌کنند، مانند مدیریت ترافیک، آتش‌سوزی و سرقت، آلودگی هوا، نور و میزان روشنایی معابر برای صرفه‌جویی انرژی، تصادفات یا جرائم رانندگی.

شاهد عینی



نهایی خرداد ۱۴۰۳: گزینه مناسب را انتخاب کنید.

کدام گزینه از ویژگی‌های شهر هوشمند نیست؟

(۱) گردش آزاد اطلاعات (۲) خط بساواپی (۳) تنظیم خودکار روشنایی معابر (۴) استفاده از انواع حسگرها

پاسخ: گزینه ۲

نهایی خرداد ۱۴۰۳: عبارت‌های سمت راست را به‌طور مناسب به عنوان‌های سمت چپ مربوط کنید. (یک مورد اضافی است).

(۱) وندالسیسم شهری

الف) نوعی اسکان غیررسمی و غیرقانونی در شهرها

(۲) مبلمان شهری

ب) خسارت وارد کردن به اموال عمومی، بناها و آثار فرهنگی

(۳) زاغه‌نشینی

ج) سنجش نسبت تجهیزات و خدمات عمومی به تعداد جمعیت ساکن در شهر

(۴) امنیت شهری

د) مجموعه وسیعی از وسایل و نمادهای مورد استفاده عموم در سطح شهرها

(۵) برنامه‌ریزی شهری

پاسخ: الف ← ۳ (زاغه‌نشینی)

ب ← ۱ (وندالسیسم شهری)

ج ← ۵ (برنامه‌ریزی شهری)

د ← ۲ (مبلمان شهری)



نام درس	مسئول درس	گروه طراحی و بازنگری	مسئول تایپ
عربی	کاظم غلامی	کاظم غلامی، آریا ذوقی	محمد وزیر زاده
دین و زندگی	مجید فرهنگیان	مجید فرهنگیان، محمدرضا فرهنگیان	مسئول ویراستاران
علوم و فنون ادبی	علی عطری	علی عطری، عماد فیض آبادی، حمزه کریم تباح فر	ریحانه غالبی
فلسفه و منطق	محمد تفقدی	محمد تفقدی، علی سیدان	
جغرافیا	بهروز یحیی	بهروز یحیی	
ویراستاران (به ترتیب حروف الفبا)			
فاطمه باقرزاده، پریا بیرامی، یاسمین سپهری، ریحانه سلیمانی، زهرا شاه محمد قاسمی، ستایش عسگری، نرگس عبداللہی، نسترن فاختر، کیمیا صفی، پارسا طاهری منزہ، مائده محمدپور، پریناز نجفلو			

مسئول دفترچه: عرفان جالبزی

